

متن پرسش

به نام خدا با سلام: استاد درباره علامه طباطبایی و انقلاب مطالبی مطرح است که انگار علامه نظری به انقلاب نداشتند اول اینکه مشهور است ایشان در رای به جمهوری اسلامی شرکت نکردند و دختر ایشان در پاسخ به این سوال می گوید من سرم شلوغ بود نمی دانم. دوم این که جمله معروف ایشان در زمان تسلیت شهادت داماد ایشان نقل شده که فرمودند: این انقلاب یک شهید واقعی داشت و آن هم اسلام بود که مظلومانه شهید شد گرچه نوه ایشان این سخن را با استناد به این که خانواده نمی گذاشتند خبرهای بد به ایشان برسد به علت کسالت نمی پذیرد. اما آقای کدیور به طور مبسوط قضیه را شرح داده که علامه در بیلاق طباطبایی ذوالمجد قمی برای استراحت بودند در اوایل پائیز شصت. کسانی که کنار ایشان بودند و حلقه تاویل نام گرفته بودند را نام برده و گفته غیر از یک نفر بقیه زنده هستند و جمله را از قول آقای سید مصطفی محقق داماد نقل می کند. استاد محمد رضا حکیمی هم در کتاب عقلانیت جعفری جمله علامه را آورده است از طرف دیگر نوه علامه فرزند شهید قدوسی در توضیح می گوید علامه در امور سیاسی زاویه آشکار و روشن با امام خمینی داشتند. که به نظر می رسد کار خراب تر شد. مسئله ولایت فقیه و حکومت اسلامی مشرب فلسفی نیست که بگوییم مثلاً یکی مشرب صدرایی دارد دیگر سینوی، بی اعتنایی علامه به یک همچین مسئله مهمی نشان از عدم اعتقاد دارد وگرنه مگر می شود موضوع نظر امام زمان باشد و برپایی احکام اسلام و علامه معتقد باشد ولی اینگونه عمل کند. آنچه قضیه را جدی تر می کند صحبت‌های استاد پناهیان است که می گوید علامه کجا و امام کجا؟! و گرچه سعی می کند حرمت علامه را با عباراتی حفظ کند اما به وضوح از عدم درک حقیقت امام و انقلاب توسط علامه سخن می گوید (صحبت‌های ایشان در آپارات موجود است) حال استاد گرامی من فعلاً کاری به این مطلب که انقلاب چقدر مهم است ندارم مشخصاً می خواهم بدانم آیا با مطالب و نقل قولها و و عدم تأیید توسط علامه با این که در طول سالیان قبل از انقلاب کارهای امام را می دید و حتی پس از انقلاب هم زنده بود و نه تنها هیچ حمایتی واضحی از ایشان نمی بینیم بلکه موارد نقض هم مشاهده می شود. آیا علامه نگاه تأییدی به انقلاب نداشتند؟ با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در جریان آنچه فرمودید هستم. عده‌ای مثل آقای کدیور کاملاً بنا دارند طوری مسئله را مطرح کنند که در کتاب «حکومت ولایی» مطرح کرده‌اند و منکر ولایت فقیه هستند. ولی عده‌ای قبول دارند که علامه معتقد به ولایت فقیه و حاکمیت اسلام بودند، ولی تصورشان آن بود

که در دنیای جدید نمی‌شود با انقلاب، کار کرد. در این‌جا نزدیک به آقای دکتر سید حسین نصر و آقای شایگان و به یک معنا، کربن می‌باشند. ولی المیزان گواه است که ایشان سخت معتقد به نفي استکبار بوده‌اند و شاگردان ایشان، همه در همین جبهه در انقلاب حاضرند و رهبر معظم انقلاب نیز در یکی از خطبه‌های نماز جمعه‌شان که در آبان‌ماه یعنی در سالگرد علامه، ایراد شد فرمودند از وقتی با المیزان آشنا شدم، بیشتر توانستم وارد انقلاب بشوم. و بنده نیز خودم چون بعد از انقلاب به مطالعه‌ی تفسیر المیزان پرداختم، غبطه می‌خوردم ای کاش قبل از انقلاب به مطالعه‌ی آن پرداخته بودم تا بهتر از آنچه انجام شد، در انقلاب حاضر می‌شدم. موفق باشید